

# روزگار هخامنشیان

استانهای شاهنشاهی ایران پیش

A detailed black and white wood engraving depicting a rugged mountain scene. In the foreground, a large, light-colored rock face dominates the left and center. It features two rectangular openings, possibly doorways or windows, set into the rock. A person is standing on a tall wooden ladder that leans against the left opening, appearing to work on or inspect it. Another person is positioned near the right opening, also seemingly engaged in some task. The rock surface is textured with fine lines and shading, indicating its craggy nature. In the background, steep, craggy mountains rise against a clear sky. The mountains are rendered with similar hatching and cross-hatching techniques to create a sense of depth and texture. The overall style is characteristic of 19th-century scientific or geographical illustrations.

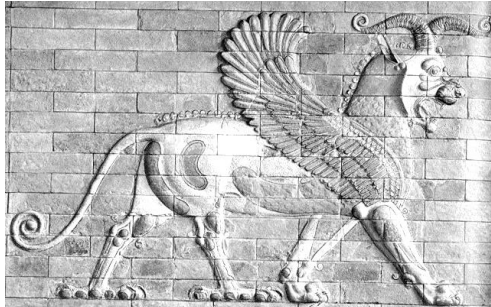
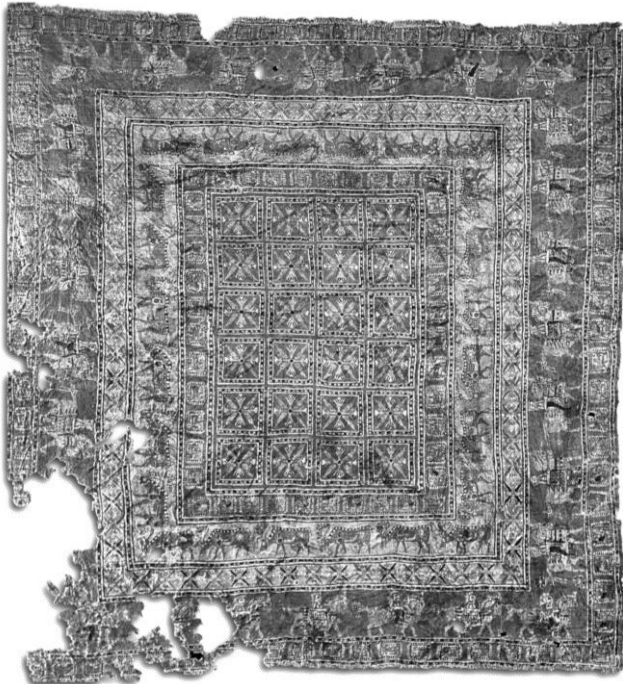
\* خطّ فارسی باستان (میخی هخامنشی):

\* زمان فرمانروایی:

\* کوروش بزرگ (بنیان‌گذار دولت هخامنشی):



\* آشنایی با هنر هخامنشیان:



\* آشنایی با معماری هخامنشیان:

♦ مهم‌ترین یادگارهای بر جای مانده از هخامنشیان را در کجاها می‌توان دید؟

۱-

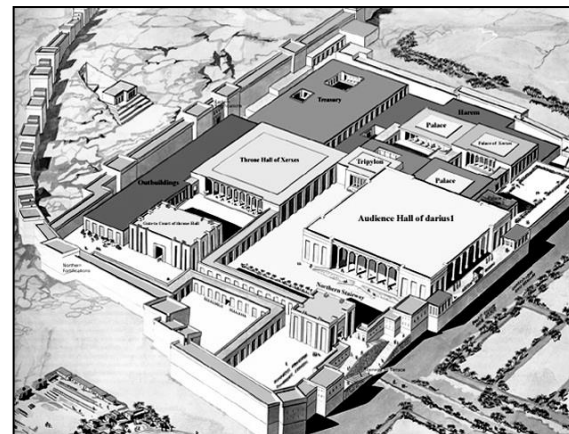
۲-

۳-

۴-

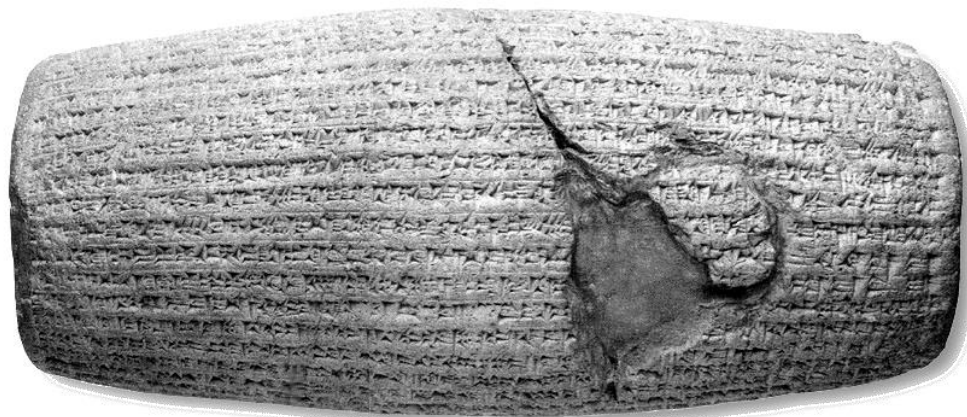
۵-

♦ از پارسه یا تخت جمشید چه می‌دانیم؟



## منشور حقوق بشر کورش

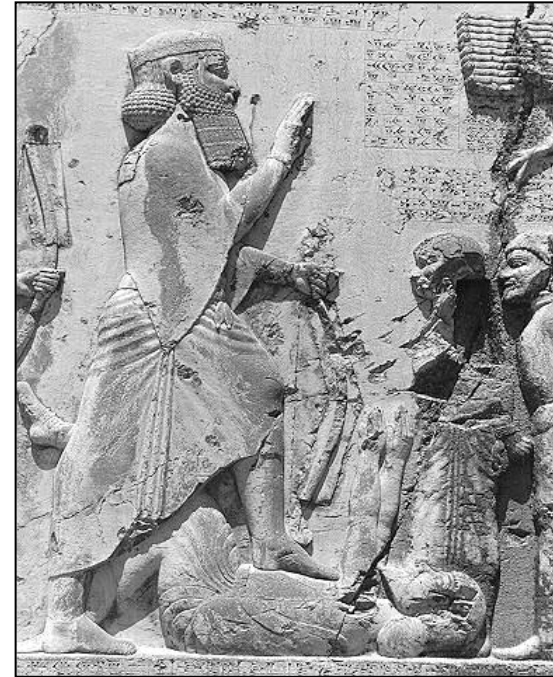
من دین و آیین و رسوم ملت‌هایی که پادشاه آنها هستم را محترم خواهم شمرد و نخواهم گذاشت که حکام و زیردستان من، دین و آیین و رسوم ملت‌هایی که من پادشاه آنها هستم یا ملت‌های دیگر را مورد تحقیر قرار دهند یا به آنها توهین نمایند.  
من از امروز که تاج سلطنت را به سر نهاده‌ام، تا روزی که زنده هستم، هرگز سلطنت خود را بر هیچ ملتی تحمیل نخواهم کرد و هر ملت آزاد است که مرا به سلطنت خود قبول نماید یا ننماید.  
و هر گاه نخواهد مرا پادشاه خود بداند، من برای سلطنت آن ملت مبادرت به جنگ نخواهم کرد.  
من نخواهم گذاشت، کسی به دیگری ظلم کند و اگر شخصی مظلوم واقع شد، من حق وی را از ظالم خواهم گرفت و به او خواهم داد و ستمگر را مجازات خواهم کرد.  
من اجازه نمی‌دهم مال غیر منقول یا منقول دیگری را به زور یا به نحو دیگر بدون پرداخت بهای آن و جلب رضایت صاحب مال، تصرف نماید.  
من تا روزی که زنده هستم، نخواهم گذاشت که شخصی، دیگری را به بیگاری بگیرد و بدون پرداخت مزد، وی را به کار



وادارد.

من امروز اعلام می‌کنم، که هر کس آزاد است که هر دینی را که میل دارد، داشته باشد و در هر نقطه که میل دارد سکونت کند، مشروط بر این‌که در آنجا حق کسی را غضب ننماید و هر شغلی را که میل دارد، پیش بگیرد و مال خود را به هر نحو که مایل است، به مصرف برساند، مشروط به این‌که لطمه به حقوق دیگران نزند.  
من اعلام می‌کنم، که هر کس مسئول اعمال خود می‌باشد و هیچ کس را نباید به مناسبت تقصیری که یکی از خویشاوندانش کرده، مجازات کرد، مجازات برادر گناهکار و برعکس به کلی ممنوع است.  
و اگر یک فرد از خانواده یا طایفه‌ای مرتکب تقصیر می‌شود، فقط مقصر باید مجازات گردد، نه دیگران.  
من اجازه نخواهم داد که مردان و زنان را به عنوان غلام و کنیز بفروشند.  
و حکام و زیر دستان من، مکلف هستند، که در حوزه حکومت و مأموریت خود، مانع از فروش و خرید مردان و زنان به عنوان غلام و کنیز بشوند، و رسم بردگی باید به کلی از جهان برافتد.

## ماجرای بردیای دروغین و پادشاهی داریوش به روایت سنگ‌نگاره بیستون:



بند ۱۰: ۲۶-۳۵: داریوش شاه گوید: این است آن کارهایی که پس از شاهی به انجام رساندم: پسر «کورئوش» (کورش) به نام «کبوجی-یه» (کمبوجیه) از دودمان ما در اینجا شاه بود. این کمبوجیه برادری داشت به نام «بردی-یه» (بردیا) که با کمبوجیه از یک مادر و از یک پدر بودند. آنگاه کمبوجیه این بردیا را کشت. هنگامی که کمبوجیه بردیا را کشت؛ مردم نمی‌دانستند که بردیا کشته شده است. سپس کمبوجیه به مصر رفت. هنگامی که کمبوجیه رهسپار مصر شد؛ مردمانی پیمان‌شکن شدند و در کشور، در پارس و در ماد و دیگر سرزمین‌ها دروغ فراوان شد. بند ۱۱: ۳۵-۴۳: داریوش شاه گوید: آنگاه یک مرد مَگوس (مجوس/ مَغ) به نام «گئوماته» (گئومات) در «پَنیشتی-یا اووادا» و کوهی بنام «آزکدریش» شورش کرد. آنگاه که او شورش کرد، ۱۴ روز از ماه «وی-خَنه» گذشته بود. او به سپاه/ مردم؟ به دروغ می‌گفت که من بردیا پسر کورش برادر

کمبوجیه هستم. سپس همهٔ سپاهیان یاغی شدند و از کمبوجیه به سوی او رفتند. هم پارس، هم ماد و هم دیگر سرزمین‌ها. او شاهی را برای خود ربود. آنگاه که او شاهی را به دست گرفت، ۹ روز از ماه «گرمَپَدَه» گذشته بود. پس از آن کمبوجیه به مرگ خودش درگذشت.

بند ۱۲: ۴۳-۴۸: داریوش شاه گوید: این پادشاهی که مَغ گئومات از کمبوجیه گرفت، از دیرباز به دودمان ما بایسته بود. مَغ گئومات بر پارس و ماد و دیگر سرزمین‌ها دست انداخت و آنها را از کمبوجیه گرفت و از آن خود کرد. او شاه شد.

بند ۱۳: ۴۸-۶۱: داریوش شاه گوید: هیچ مردی، نه پارسی و نه مادی و نه کسی از دودمان ما نبود که شاهی را از دست مَغ گئومات بازپس گیرد. مردم از او بسیار می‌ترسیدند چرا که او کسانی که بردیا را از پیش می‌شناختند، می‌کشت. از آن روی مردم را می‌کشت که هیچکس نداند من بردیا پسر کورش نیستم. هیچکس توان نداشت که دربارهٔ مَغ گئومات سخنی بگوید. تا اینکه من سر رسیدم. آنگاه من از اهورامزدا یاری خواستم. اهورامزدا مرا یاری داد. آن هنگام ۱۰ روز از ماه «باگیادیش» (باگیادی/ بَغیادی) گذشته بود که من با چند مرد، مَغ گئومات و همهٔ همدستانش را کشتم. در دژ «سیگِئووتیش» در ناحیهٔ «نِساَئَه» (نِسا) در ماد او را کشتم. شاهی را از او پس گرفتم. بخواست اهورامزدا من شاه شدم. اهورامزدا پادشاهی را به من داد. بند ۱۴: ۶۱-۷۱: داریوش شاه گوید: پادشاهی‌ای را که از دودمان ما گرفته شده بود؛ دگر باره بر پای کردم. چنان در جایش استوار نمودم که پیش از این بود. آیین‌هایی را که مَغ گئومات از میان برده بود؛ پایدار کردم. من چراگاه‌ها و رمه‌ها و کارکنان و خانه‌هایی را که مَغ گئومات از مردم گرفته بود، به آنان بازگرداندم. من مردمان را در جایشان استوار نمودم. هم پارس، هم ماد و هم دیگر سرزمین‌ها را. من آنچه را که به تاراج رفته بود؛ به همانگونه که پیش از آن بود، باز پس گرداندم. این کاری بود که من به خواست اهورامزدا انجام دادم. من کوشیدم که خانه (دودمان/ میهن؟) خود را در جای خود استوار نمایم؛ همانگونه که پیش از این بود. من بخواست اهورامزدا، چنان کوشیدم تا توانستم نگذارم مَغ گئومات خانهٔ ما را تباہ کند.

## \* داریوش و برپایی حکومتی جهانی

♦ مهم‌ترین کارهای داریوش عبارت بودند از:

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۷-

۸-

۹-

♦ پایتختهای هخامنشیان:

